

بررسی علل حمایت سردمداران خارجی از زنان ایران در اغتشاشات سال ۱۴۰۱

مژگان میری^۱، سید محمد حسین راجی^۲

^۱ کارشناسی علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز

^۲ پژوهشگر و استاد حوزه و دانشگاه

چکیده

در اغتشاشات اخیر مسأله زن و تحقق آزادی زنان در کشور ایران به طور گسترده ای از طریق رسانه‌های داخلی و خارجی مورد پوشش قرار گرفت و واکنش‌های متفاوتی نسبت به وضعیت زنان در این کشور مشاهده شد. هدف از پژوهش حاضر بررسی علل حمایت سردمداران خارجی از زنان ایران در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ است. این پژوهش به روش کتاب‌خانه‌ای_تحلیلی و با توجه به کتاب «ناگفته‌های صورتی» مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سردمداران ایالات متحده آمریکا و غربی برای رسیدن به سیاست‌های امپریالیستی خود در کشورهای مختلف، از زنان به عنوان یک ابزار برای رسیدن به اهداف خود استفاده میکنند. مهم‌ترین راهکار برای مقابله با این سیاست استعماری می‌توان به آگاه‌سازی زنان جامعه ایران اشاره نمود.

واژه‌های کلیدی: زن، زندگی، آزادی، جنبش اجتماعی، اپوزیسیون

مقدمه

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

اغتشاش به معنای شورش، آشوب و گاه در اصطلاح به شورش عمومی خشونت‌آمیز، علیه مقامات، اموال یا مردم گفته می‌شود. از اشکال این اغتشاشات «جنبش‌های اجتماعی» است؛ «جنبش اجتماعی» به فعالیتی گفته می‌شود که میزانی از استمرار و تداوم در آن مشاهده می‌شود. و اهدافی را دنبال می‌کند که اعضای آن برای مدت زمانی اندک گرد هم می‌آیند (turner, kilian, 1975). این «جنبش‌های اجتماعی» دلایل مختلفی را دنبال می‌کنند که یکی از مهم‌ترین موارد آن مسائل اقتصادی می‌باشد. یعنی رابطه‌ی بین «فقر» و «جنبش اجتماعی» به مفهوم فراگیر آن یعنی تلقی از تمام مبارزات مردمی؛ به عنوان اشکال مختلف «جنبش اجتماعی» قدمتی طولانی دارد. «جنبش اجتماعی» به عنوان واکنش از جان به لب آمدگی به مرور زمان جای خود را به کوشش‌های تشکل‌های سازمان یافته داده است (پیران، ۸۲-۱۳۸۰). که برخی از دانشمندان مثل کاسفیلد این اعتراضات را صورت غیر دائمی‌تری از کنش جمعی می‌دانند که به شکلی خودجوش برنامه ریزی نشده است و به صورت مقطعی شکل می‌گیرند (GusField, 1970:80) به نقل از مشیری (۱۳۸۱:۱۲). کشور ایران از این امر مستثنی نبوده است و سال‌های متعددی در معرض این جنبش‌ها و اعتراضات مردمی بوده که اکنون جای خود را به اغتشاشات سازمان یافته داده است؛ قیام‌ها و اغتشاشاتی که اپوزیسیون‌های خارجی مدعی رهبریت این اعتراضات در کشور ایران را داشته‌اند؛ برای نمونه: هیلاری کلینتون وزیر خارجه‌ی سابق آمریکا در کتاب خاطرات خود با عنوان «انتخاب سخت» با اشاره به فتنه‌ی ۸۸ چنین نوشته است که: در مسائل اخیر ایران ده‌ها میلیون دلار خرج کرده است و هم‌چنین ۵ هزار نفر از مخالفان تهران را آموزش داده و برای حمایت از اغتشاش‌گران نگذاشته است که تویبتر تعطیل شود زیرا اگر تویبتر تعطیل می‌شد تظاهرکنندگان یکی از ابزارهای مهمشان برای ارتباط با ما را از دست می‌دادند (فارس پلاس، ۱۴۰۱). با توجه به مطالب ذکر شده و اعترافات اپوزیسیون‌های خارجی مبنی بر ایجاد اغتشاشات داخلی در ایران؛ در این پژوهش سعی شده است که به این سوالات پاسخ داده شود که:

۱. علل ایجاد اغتشاشات ایران در سال ۱۴۰۱ چه چیز بوده است؟

۲. چه کسانی در گسترش اغتشاشات و حمایت از آن دست داشته‌اند؟

۳. آیا حمایت از اغتشاشات تنها در ایران صورت می‌گیرد؟

۱-۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

اغتشاش و آشوب‌های داخلی ایران که توسط اپوزیسیون‌های خارجی با ترویج شعار «زن، زندگی، آزادی» ایجاد شد، علاوه بر تأثیرات منفی بر فرهنگ و ارزش‌های ملی ایران، خسارات سنگین دیگری چون نابودی اموال عمومی، ناامنی کشور، خسارات به جان و نوامیس مردم، تضعیف روحیه و ناامیدی نسبت به آینده‌ی کشور و... را از خود بر جای گذاشته است که بزرگ‌ترین اثر آن ایجاد دودستگی و تفرقه میان مردم کشور به نام «حجاب» شکل گرفت. در گزارشات ناتو این طور آمده است که برای از بین بردن یک جامعه‌ی منسجم فقط لازم است آن را دچار رادیکال (تفرقه و عدم اتحاد بین مردم) کرد. ضرورت و اهمیت این پژوهش از این حیث است که با تبیین حقیقت؛ نسبت به سیاست‌های فمینیستی اعمال شده به زنان در کشورهای مختلف و

هم‌چنین نسبت به زنان کشور ایران در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ می‌توان سطح آگاهی زنان کشور را افزایش داده و از ایجاد تفرقه و دودستگی و هم‌چنین از وقوع احتمالی استفاده‌های ابزاری از زنان توسط سردمداران خارجی در زمان آتی جلوگیری نمود.

۳-۱. پیشینه تحقیق

هسترایزنشتاین (۲۰۰۹) که از فعالین جنبش‌های زنان است در کتابی تحت عنوان «فمینیسم اغوا شده» با ذکر نمونه نتیجه‌گیری کرده است که چگونه فمینیسم و جنبش‌های زنانه توسط جریان‌های سرمایه‌داری به انحراف کشیده شده است و به ابزاری برای استثمار دنیا توسط آن‌ها تبدیل شده است.

زهرا سادات میرمومنی (۲۰۱۵) در مقاله‌ای تحت عنوان (نقد جنبش فمینیسم و پیامدهای آن) چنین آورده است که فمینیسم نهضتی اجتماعی است که هدف از آن احراز پایگاه مساوی با مردان در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی است. خواستگاه این جنبش فکری غرب می‌باشد که برخی از دست آوردهای این جنبش آزادی سقط جنین، نفی ازدواج، بردگی جنسی و روابط ناسالم و خشونت جنسی می‌باشد.

مریم غنی زاده و فائزه ورمزیار (۱۴۰۰) در یک مقاله‌ای با عنوان (تأثیر جنبش‌های فمینیسم بر تحول مفهوم خانواده) نوشته است که فمینیسم در آغاز با برابری میان زن و مرد آغاز شد. اما به مرور زمان جریانات فکری از آن متولد شدند که به برابری حقوق زن و مرد قائل نبوده و در پی برتری زن نسبت به مرد در جهات مختلف بودند. در این نظریه‌ها «خانواده» یکی از موضوعاتی است که همواره مورد توجه نظریه پردازان فمینیسم بوده و باعث تغییر در مفهوم نهاد خانواده در قرن اخیر شده است.

منیره حلوانی نیاسر و محمد ناصحی (۱۳۹۵)، در یک پژوهش دیگری به نام (تاریخچه فمینیسم و مقایسه کارکردهای خانواده از منظر اسلام و فمینیسم) این نتیجه‌گیری را کرده اند که روح حاکم بر جنبش فمینیسم بر رفع محدودیت‌های مبنی جمعیت است که سبب از بین رفتن نظام خانواده شده است و روابط سرد و بی روح را جایگزین مودت و رحمت می‌نماید. تا جایی که نقش‌هایی چون باروری، زایش و و پرورش فرزند به دیده‌ی تحقیر نگریسته می‌شود و به جای آن تئوری معاشقه آزاد، مادر میانجی، ازدواج سهمی مطرح می‌گردد. در این دیدگاه ازدواج زن و مرد قابل تحقیر است ولی الگوهای زندگی مشترک زن با زن و یا مرد با مرد قابل تحسین است. زیرا به اعتقاد فمینیسم‌ها شالوده‌ی خانواده بر پایه ظلم مرد پایه‌ریزی شده است.

احمدی قاسم (۱۳۹۵) در یک مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی انتقادی فمینیسم از منظر اخلاقی» چنین آورده است که بسیاری از فمینیست‌ها قائل هستند نقش‌ها و اشکال رفتاری ملازم با «جنسیت» زن بودن را جوامع مختلف به طور تاریخی تولید کرده‌اند. اخلاق فمینیستی تلاشی است برای بازنگری و بازسازی تفکر دوباره، درباره جنبه‌های اخلاق سنتی غرب که تجربیات اخلاق زنان را بی ارزش و کم بها تلقی کرده است و معتقدند در تاریخ دوهزار ساله اخلاق غرب صدای اخلاق زنانه غائب بوده لذا برای پایان دادن به این نابرابری و عدم تعادل می‌گویند: جنسیت نه تنها در اصل انسانیت که حتی در مسائل اخلاقی و رفتارهای اخلاقی تأثیرگذار نیست.

۴-۱. روش تحقیق

با توجه به اعترافات اپوزیسیون‌های خارجی مبنی بر ایجاد اغتشاشات داخلی در ایران؛ در این پژوهش سعی شده است که با استناد به کتاب «ناگفته‌های صورتی یا روایت ظلم تاریخی به زنان» به روش کتاب‌خانه‌ای_تحلیلی و از نوع کاربردی به

بررسی نمونه هایی از حمایت های سردمداران خارجی از زنان در کشورهای مختلف پرداخته شود. تا از این طریق به توان به علت حمایت سردمداران خارجی از زنان ایران در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ دست پیدا کرد.

۱. مباحث اصلی

۱-۱. حمایت گران و آغاز کنندگان اغتشاشات ۱۴۰۱

در سال های متمادی و با شکست طرح های آشوب گرایانه و سازمان یافته ای اپوزیسیون های خارجی در کشور ایران که با بهانه های مختلفی چون گرانی و مشکلات اقتصادی ایجاد شده بود؛ در سال ۱۴۰۱ و بعد از فوت دختری به نام مهسا امینی؛ این آشوب ها از «مسائل اقتصادی» به «مسائل آزادی زنان» با شعار فمینیستی (زن، زندگی، آزادی) تغییر رویه داد. این شعار فمینیستی که بنیان گذار آن آقای احمدی رهبر پژاک بود؛ مورد حمایت بسیاری از سردمداران خارجی و تحلیل گران سیاسی و اجتماعی قرار گرفت. بر همین اساس مسئولین سیاسی کشور ایران بر این باور هستند که حمایت سردمداران خارجی از زنان ایران در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ هدفی سیاسی و فرهنگی داشته است و به تلاش برای تغییر هویت و فرهنگ ایران و ایرانی، سرکوب انقلاب، تضعیف نظام و استفاده از زنان به عنوان ابزار سیاسی مرتبط است.

«کیت کلارنبرگ» با اشاره به نتیجه ای پژوهش دو اندیشکده ای آمریکایی به نام (Graphika, stanford observatory) در اواخر ماه سپتامبر ۲۰۲۲ با انتشار گزارشی با عنوان «رمز گشایی از جنگ آنلاین پنتاگون علیه ایران» نوشته است که نا آرامی های اخیر در ایران از خارج کشور تحریک و مهندسی می شود. این روزنامه نگار انگلیسی نیز با اشاره به گزارش «واشنگتن» فاش کرد که پنتاگون حسابرسی گسترده ای از تمام تلاش های آنلاین خود علیه ایران آغاز کرده است. و با اشاره به مرگ مهسای امینی چنین نوشته است که اگر چه ناآرامی های به وجود آمده در کشور ایران ریشه در نارضایتی های مشروع مردم دارد اما هم زمان نشانه هایی از تأثیرات یک جنگ روانی و رسانه ای گسترده تحت حمایت غرب در تحریک و هدایت این ناآرامی ها دیده می شود (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۱). شورای ملی مقاومت ایران (منافقین) در تریبون خود به نام "سیمای آزادی" مدعی ایجاد کانون های شورشی بوده اند که ماه ها به صورت شبانه روزی برای برگزاری این تجمعات تلاش کرده است و این تلاش ها اکنون به ثمر رسیده است (محمدی لرد، ۱۳۹۸). دیوید میلر جامعه شناس و کارشناس مسائل سیاسی در انگلیس چنین شرح می دهد که تمام اغتشاشاتی که در کشور ایران رخ می دهد زیر نظر سازمان های تروریستی خارجی با سابقه ای آشوب گری و براندازی نظام های سیاسی در جهان قرار دارند. و هم چنین سازمان سیا و دولت آمریکا یک عامل کلیدی می باشند (خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۱). تهران تایمز نیز گزارش داده است که یکی از افراد مهمی که اغتشاشات را تنظیم کرده است «رابرت مالی» بوده است که طبق این سند گروهی از اعضای شورای امنیت ملی آمریکا باید به طور مکرر اطلاعات جاری ایران را مورد ارزیابی قرار داده و هر روز گزارشی از وضعیت اعتراضات در ایران را به رئیس جمهور ارائه دهند. و همه ی وزارتخانه ها و آژانس ها اعم از (امنیتی و غیر امنیتی) موظف به بررسی ظرفیت های داخلی کشور ایران برای پشتیبانی فنی از معترضان (اغتشاش گران) می باشند (رجانیوز، ۱۴۰۲). و هم چنین شبکه ی فرشگرد که رضا پهلوی را به عنوان عامل وحدت بخش در فرایند براندازی جمهوری اسلامی ایران معرفی کرده است ادعا می کند که اعتراضات داخلی ایران هم دارای رهبری میدانی و هم رهبری ملی می باشند و بیش از دو الی سه سال این اتفاقات سازماندهی شده تا به مرحله ی کنونی دست پیدا کرده است (محمدی لرد، ۱۳۹۸). «ایهاب عباس» کارشناس ضد ایرانی شبکه «اسکای نیوز» طی یک برنامه تلویزیونی درباره پشت پرده اغتشاشات در ایران گفت که آمریکا از جاسوسان خود در این کشور استفاده کرده و از ناامنی های تهران حمایت می کند. که

^۱ کسی که دختر خود را مورد تجاوز قرار داده و این امر سرانجام به خودکشی دخترش منجر شد. (راجی، ۱۴۰۱)

تلویزیون اینترنتی «ایرانیک تی وی» در صفحه توئیتریش ویدئویی از صحبت‌های این تحلیلگر عرب زبان را منتشر کرده که در آن تاکید دارد مخالفین داخلی ایران ضعیف هستند و اپوزیسیون خارج نشین هم به صورت پراکنده با هم همکاری می‌کنند. در نتیجه هر گاه جرقه ای از اعتراضات در ایران زده شود، بهترین فرصت برای آمریکا به حساب می‌آید (فارس، ۱۴۰۱). همچنین تا سال ۲۰۰۵ میلادی بیش از ۳۲ شبکه‌ی فارسی زبان جهانی که برخی تعداد اعضای آن را بیش از ۱۵۰ میلیون نفر تخمین زده‌اند، علیه جمهوری اسلامی ایران برنامه پخش کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: «راديو آمریکا، راديو فردا، راديو صدای ایران و...» (گیویان، ۱۳۸۹). دولت‌ها، سازمان‌های سیاسی و جریان‌های اپوزیسیون‌ها از طریق اینترنت این امکان را فراهم آورده‌اند که با هزینه‌های بسیار اندک به ارتباط با مردم ایران پرداخته و آن‌ها را تحت بمباران تبلیغاتی و سیاسی قرار بدهند. اهمیت این موضوع تا اندازه‌ای است که در مقابله با سیاست فیلترینگ ایران، که بر اساس مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت گرفته، آمریکا به طور علنی عکس‌العمل نشان داد و به انعقاد یک قرارداد ۴۰ میلیون دلاری با یک شرکت سازنده نرم افزارهای فیلتر و ضد فیلتر اقدام به شکستن فیلترهای Isp های ایران کرده است (قنبری سلحشور و آقارضایی، ۱۳۹۷). که اخیراً کنگره آمریکا بودجه‌ی معادل ۴۰ میلیون دلاری برای حمایت از آنچه فعالیت مدنی و رسانه‌ای در ایران نامیده می‌شود؛ اختصاص داد. و در مصاحبه‌ای که خبرنگار CNN آمریکا با یکی از گردانندگان شبکه‌های تلویزیونی فارسی در لس‌آنجلس ترتیب داد، مشخص شد که بخش عمده‌ی این بودجه به تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی زبان مقیم لس‌آنجلس اختصاص داده می‌شود که به ترویج فرهنگ و اهداف خود در ایران بپردازند (قنبری سلحشور و آقا رضایی، ۱۳۹۷).

۲_۲. تاثیر فمینیسم بر کشورهای دنیا

استفاده ابزاری از زنان هند: امپریالیسم غرب به صورت ویژه بریتانیا و آمریکا برای توجیه حضور استعماری خود در شبه قاره هند و به طور کل مشرق زمین از زنان به عنوان یک ابزار مناسب استفاده کرد. راهبرد مهم بریتانیا و آمریکا در این مسأله نمایش برتری نژادی، فرهنگی و تمدنی خود نسبت به شرق از طریق ساخت روایت‌های جعلی از هند، به خصوص در حوزه ی زنان بود. روایت‌هایی که در قالب شرق شناسی از کشور هند و سایر مستعمرات تولید شد، چهره‌ای عقب مانده، فقیر و محتاج ترحم از سوی غربی‌ها ارائه کرد. که هم اکنون این باور در بین مردم آمریکا و اروپا از شرق تثبیت شده است. در این روایت‌ها، انسان و زن شرقی هیچ صدا و تریبونی ندارد! (Said Edward w.(2003) و زن غربی متأثر از آقایان شرق شناسی زنان شرقی را بی عقل، حقیر و زیر سلطه مرد شرقی می‌بینند. شدت و میزان تولید این تصویر ذهنی به قدری بود که حتی فمینیست‌های حامی استقلال هند نیز به حضور بریتانیا برای نجات زنان رضایت دادند (Barbara N. Ramusack, 1990). زن هندی به عنوان «برده، حقیر و نیازمند نجات» نشان داده شد (Antoinette Burton, 1992). و مجلات فمینیستی اوایل قرن بیستم به طور منظم و با همین فرمول، روایت‌های دروغین را باز تولید کردند و عملاً توجیه امپریالیسم بریتانیا در افکار عمومی با موفقیت انجام شد. امپریالیسم، در هند به تحریف تمام تلاش‌ها و فعالیت‌های شگرف سیاسی زنان هندی، از جمله استقلال هند مبادرت ورزید. در سال ۱۹۲۷، مایو در حالی به تعریف تاریخ فعالیت‌های سیاسی زنان اقدام نمود که در همان سال «کنفرانس زنان سراسر هند» که از بزرگ‌ترین و تاثیرگذارترین سازمان جنبش زنان هند بود، تاسیس شد. همین‌طور ده سال پیش از آن نیز در سال ۱۹۱۷ انجمن زنان هندی برای گرفتن حق رای تاسیس شده بود. در آن دوره در هند زنان نه تنها در مقاومت علیه بریتانیا فعال بودند، بلکه کمپین‌هایی را علیه پوردا(پرده نشینی که به دو شکل بود یکی تفکیک جنسیتی و دیگری حجاب کردن زنان)، ازدواج کودکان و ظلم به بیوه‌ها به راه انداخته بودند (Veens Mazumdar, 1976).

استفاده ابزاری از زنان در فیلیپین: در اواخر سده‌ی نوزدهم آمریکا موفق شد طی معاهده‌ی پاریس، مجمع‌الجزایر فیلیپین را از چنگ اسپانیا درآورد. (Smith, The Spanish American War, 200). ایالات متحده آمریکا برای توجیه اقدامات خود در کشور فیلیپین و رسیدن به اهداف خود ابتدا باید به اذهان عمومی این‌گونه القا می‌کرد که زنان فیلیپینی عقب مانده و مظلوم هستند. و با سوءاستفاده از برهنگی و پوشش کم آن‌ها، تصویری غیر واقعی از فیلیپین برای اذهان عمومی ساخت تا بتواند پوشش خیرخواهانه حضور خود را قوت بخشیده و به اهداف استعماری خود برسد. در همین راستا «دین ورکستر»^۴ استاد جانورشناسی دانشگاه میشیگان که بعدها به یک مقام عالی رتبه‌ی استعماری در فیلیپین تبدیل شد، از فیلیپینی‌هایی که پوشش بسیار نامناسبی داشتند عکس می‌گرفت و چاپ می‌کرد. یکی از این زنان عکس‌ها در سال ۱۹۱۲ در مجله‌ی نشنال جیوگرافیک^۵ منتشر شد. عکس دیگری که در مجموعه شخصی ورکستر در دانشگاه میشیگان که در نشنال جیوگرافیک پخش شد، دو زن جوان از یک جامعه‌ی بومی را به نحوی نشان می‌داد که با سینه برهنه جلوی دوربین ژست گرفتند و روی تخته سنگی بزرگ در کنار رودخانه در منظره‌ای استوایی نشسته‌اند. استعمارگران با نمایش چنین تصاویری تلاش می‌کردند تا زنان سینه برهنه فیلیپینی را به عنوان مظهر انحراف و افراط جنسی نمایش دهند و بگویند که زنان فیلیپینی به حدی از خودنمایی جنسی شهوت انگیز مشغول هستند که از حیث بی بند و باری جنسی به مرحله‌ی حیوانیت رسیده‌اند. تصویرسازی سینه‌های زنان رنگین پوست شاخصی برای برخی پژوهشگران از جمله نریسا بالکه گردید که اصطلاح «تصویرسازی شهوانی امپراطوری آمریکا»^۶ را ابداع کنند و با استناد به آن مردم فیلیپینی را نژادی وحشی قلمداد کرده و استعمار آنان را از طریق ابزارهای خشن مشروع گرداند (Balce, Nerissa, 2006). آمریکا هم‌زمان با این تصویرسازی منفی سعی کرد که زنان فیلیپینی را برای سربازان خود بسیار زیبا نشان دهد تا بتواند سربازان خود را برای حضور در فیلیپین ترغیب کند و در راستای همین هدف، آنها نقاشی‌ها و عکس‌های زنان فیلیپینی جوان را منتشر می‌کردند. و این کشور را به عنوان سرزمین زنان دارای ویژگی‌های زنانه و از نظر جنسی مطلوب، نشان می‌دادند. تا جایی که وزارت جنگ آمریکا، در یک گزارش به این موضوع اشاره کرد که زنان فیلیپینی را به عنوان جزایری جلوه می‌دادند که زنان در آنجا منتظر یک خواستگار با میل جنسی بالا هستند. (Kristin L. Hoganson, 2000). و این خود باعث شد که زنان فیلیپینی مصیبت‌های وحشتناکی را متحمل شوند. مارگارت دی آلیس^۷ یکی از فعالان جنبش ضد مشروبات الکلی، بیان داشت که: «آمریکایی‌ها صد‌ها زن را دسته دسته به فلاکت و هرزگی می‌کشاندند (Margaret Dye Ellis, 1902).

استفاده ابزاری از زنان مصری: اولین کشور عرب‌زبانی که سیاست‌های استعماری اروپا را تجربه کرد، مصر بود. از سال ۱۸۵۲ بریتانیا حضور فزاینده‌ای در شمال مصر داشت تا مسیر تجارت زمینی به هندوستان را حفظ کند. که در این نقشه مصر جایگاه برجسته‌ای برای بریتانیا داشت. بریتانیا برای رسیدن به هدف خود زنان و مسائل مربوط به زنان را دستاویزی برای استمرار حضور و پیشبرد اهداف امپریالیستی خود در مصر قرار داد. در زمان حضور استعماری بریتانیا در مصر در دهه‌ی ۱۸۷۰ شرق شناسان حاضر در مصر، زنان مصری را با پوشش زیاد به تصویر کشیدند و پوشش کامل آنان را عامل عقب ماندگی شأن بیان می‌کردند. و شرق شناسان بریتانیایی سعی داشتند فضای جامعه را به گونه‌ای نشان دهند که اسلام زنان را به واسطه

^۴Dean Worcester

^۵National Geographic

^۶Erotics of the American Empire

^۷Margaret dye ellis

حجاب تحقیر می‌کند و با حضور خود در مصر باید به وضعیت زنان بهبود دهند. این دیدگاه‌ها در مورد حجاب به عنوان نماد حقارت اسلام و رفتار آن با زنان در اواخر سده نوزدهم، به ویژه در فرانسه و بریتانیا، رایج شد زیرا هر دو ملت در حال گسترش و تعمیق سلطه خود بر سرزمین‌های اسلامی بودند (Leila.ahmed,2011). هر چند که مطالبات اولیه حقوق زنان در مصر، تحت تاثیر فضا سازی‌های استعمارگران و افرادی که فرهنگ غربی را به عنوان الگویی مطلوب برای زندگی در نظر می‌گرفتند، از حق رای و آزادی در پوشش آغاز شد، اما دیری نگذشت که جامعه مصری از مطالبات اولیه خود به پیشروی در آزار و اذیت جنسی زنان رسید. امروزه، یکی از موضوعات داغ در مصر، به ویژه پس از انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، آزار جنسی است که اکثریت زنان مصری در همه‌ی سنین، طبقات اجتماعی، پیشینه مذهبی و پوشش‌های مختلف تجربه می‌کنند. که این آزارها شامل «کلمات زننده، دست زدن، تعقیب شدن، نگاه‌های زننده، رفتار خلاف اخلاق و قرار گرفتن در معرض رفتار ناشایست» می‌باشد (Rogers, M. 2010).

استفاده ابزاری از زنان الجزایر: از سال ۱۸۳۰ تا ۱۹۶۲ نقش مهمی در امپراتوری فرانسه به عنوان یکی از طولانی‌ترین مستعمرات آن داشت. فرانسوی‌ها به دنبال اقناع مردم فرانسه برای حمله به الجزایر و تسخیر آن از ابزار عکاسی و ارائه تصاویر زنان الجزایری و ایجاد ذهنیت مدنظر خود از این زنان برای مردم فرانسه استفاده کردند. هنگامی که ارتش استعماری فرانسه در اوایل قرن بیستم وارد الجزایر شد، عکاسان آن‌ها را همراهی کردند. این عکاسان می‌خواستند از زنان الجزایری همانطور که دلخواهشان بود عکس بگیرند اما وقتی به کشور الجزایر رسیدند با زنانی مواجه شدند که جسم آن‌ها دیده نمی‌شد. آن‌ها مدل‌هایی از زنان در حاشیه‌ی شهر استخدام کردند و برای ژست گرفتن و پوشیدن لباس به آن‌ها پول می‌دادند. و فضاهایی را با قلیان و قهوه جوش و قالیچه تزئین می‌کردند تا شبیه حرم‌سرا شوند و میله‌هایی را روی پنجره‌ها قرار می‌دادند تا حس زندانی بودن را ایجاد کنند. همین موضوع ابزاری در ایجاد جنگ روانی برای اقناع مردم فرانسه و هم‌چنین اعمال قدرت به کشور الجزایر برای اینکه به مستعمره آن تبدیل شود؛ گردید. که «ژنرال ژاکیر» یکی از ژنرال‌های ارتش فرانسه در نوامبر ۱۹۶۰ بیان کرد که فیلم همراه با رادیو، موثرترین وسیله ارتباطی است که ما در اقدام خود در برابر مسلمانان داریم (Neil MacMaster, 1954). برای همین هم در اصلاحات داخلی و ممنوعیت حجاب، تحولی که اغلب توسط مبلغان ارتش فرانسه مورد استفاده قرار گرفت این بود که نشان دهد که آزادی حجاب کاملاً با اسلام سازگار است و صرفاً یک برنامه خطرناک غربی تحمیل شده توسط قدرت‌های سکولار یا مسیحی نیست (Neil Macmaster, 1954). آن‌ها از این ابزارها برای اقناع زنان فرانسوی مبنی بر این که حجاب از آزادی و پیشرفت آنها جلوگیری کرده و آنها را به مردمی عقب افتاده تبدیل کرده، استفاده کردند.

استفاده ابزاری از زنان ژاپن: آمریکایی‌ها همین سیاست را برای کشور ژاپن در پیش گرفتند. و در صدد بودند که حضور و سلطه ژئوپلیتیک خود در شرق آسیا را حفظ و از شکل‌گیری یک ژاپن قدرتمند جلوگیری کنند. به همین دلیل برای توجیه اقدامات فجیع خود در ژاپن، همچون اشغال این کشور و کشتن صدها هزار ژاپنی پس از جنگ جهانی دوم، دوباره دست به روایت‌سازی‌های دروغین زدند. ابزار استعماری برای پیشبرد این اهداف، پیگیری گفتمان آزادی زنان، ثبت اعطای حق رای به نام خود و بازنویسی قانون اساسی ژاپن بود. آمریکایی‌ها با روایت‌سازی مبنی بر اینکه حقوق زنان ژاپن رعایت نمی‌شود و زنان ژاپنی بدبخت، بی‌عقل و تحت ظلم مردان شرقی و وحشی خود هستند، اشغال خود را مشروع جلوه دادند. وقتی یک کشور ابر قدرت بخواهد بر ملتی چیره شود_ آن هم ملتی که تا دو سال پیش یک امپراطوری صنعتی و نظامی بزرگ بوده است_ باید

برای مردم کشور خود و همچنین کشور هدف؛ اقدامات، حضور و دخالتش را با روایت سازی توجیه کند. روایت یک کشور قهرمان که زنان بدبخت ژاپنی را از دست مرد وحشی شرقی و ژاپنی نجات می‌دهد. این موضوع را می‌توان به وضوح در کتابچه «راهنمای اشغال» که به نظامیان و بوروکرات‌های آمریکایی داده شده بود، مشاهده کرد. در آن کتابچه ژاپنی‌ها جماعتی «بی منطق، غیر علمی، مغرور و متعصب به نژاد و متوقف در دوران فئودالیسم» معرفی شده بودند که قدرت تصمیم‌گیری نداشتند (Mire Koikari, 1944). نکته‌ی حائز اهمیت این است که بر خلاف روایت‌سازی‌های آمریکایی‌ها، زنان ژاپنی تاریخچه‌ی بلندی در رابطه با سازمان‌های مرتبط با حقوق زنان دارا بودند. یکی از این سازمان‌ها «اتحادیه حق رای زنان» بود که در سال ۱۹۲۴ توسط «ایشیکا فاسائه» تاسیس شد و نقش بسیار موثری در جنبش حق رای زنان ایفا کرد. اما آمریکایی‌ها به خودشان اجازه دادند که اعطای حق رای به زنان ژاپنی را در حالی که دست‌آورد زنان این کشور بود به نام خودشان در تاریخ ثبت کنند (Katsuko kodama, 1985). پس از اشغال ژاپن توسط آمریکای فاتح جنگ جهانی دوم و حضور نیروهای آمریکایی در این کشور، در برخی از نواحی سربازان آمریکایی به طور گسترده‌ای شروع به تجاوز به زنان مناطق اشغالی کردند به طوری که در ده روز اول اشغال استان کاناگاوا ۱۳۳۶ مورد تجاوز جنسی گزارش شد (Peter schrijvers, 2002). مشغول شدن سربازان به روابط جنسی گسترده و انحطاط اخلاقی ایشان، موجب همه‌گیری انواع بیماری‌های جنسی شد؛ به طوری که آمار این بیماری‌ها به ۴۰۰ هزار نفر نیز رسید.

استفاده ابزاری از زنان در یوگسلاوی: کشور یوگسلاوی کشوری در جنوب شرقی اروپا بود که علاوه بر برخورداری از موقعیت استراتژیک جغرافیایی، دارای یک حاکمیت مستقل سیاسی و اقتصادی از بلوک‌های شرق و غرب بود. و این موضوع بر اهمیت آن می‌افزود. همچنین یوگسلاوی به خاطر سیستم اقتصادی خاص خود که چیزی مابین اقتصاد کمونیستی و سرمایه‌داری یعنی یک مدل سوم برای جهان محسوب می‌شد، توانست جایگاه اقتصادی مطلوبی را به دست آورد. از طرفی استانداردهای زندگی در یوگسلاوی در وضعیت خوبی قرار داشت. به عنوان مثال: مراقبت‌های بهداشتی برای همه رایگان بود، تحصیل از دوران ابتدایی و دانشگاه رایگان و فقط هزینه‌ی کتاب‌ها اخذ می‌شد. دولت به مردم آپارتمان رایگان می‌داد هر چند که حق مالکیت نداشتند اما حق اجاره‌ی آن را داشتند. حاکمیت‌های سلطه‌گر وجود یک حاکمیت مستقل را نمی‌پسندیدند. پس از فروپاشی شوروی، آمریکا برای فراگیر کردن سلطه خود در سطح جهان، برای مقابله با هر حاکمیت مستقلی که در مقابل او ایستاده بود، وارد عمل شد. «کیت هادسون» تهیه‌کننده و نویسنده آمریکایی، جنگ ناتو علیه یوگسلاوی را یک فرایندی که از خیلی قبل‌تر آغاز شده بود می‌دانست و بیان کرد: «آمریکا در نظر داشت «میولوسیج» را (که آخرین رئیس جمهور یوگسلاوی بود) حذف کند. چرا که او مانع الحاق کامل یوگسلاوی به چارچوب نهادی غرب (نئولیبرالیسم) شده بود (Hudson. kate Garry, 2002). که یکی از مهم‌ترین ابزارهای مداخله گرایانه آمریکا در یوگسلاوی سواستفاده از عواطف زنان جهان، تحت بیرق فمینیسم بود. دولت‌های غربی توانستند با خبرسازی، کشته‌سازی و ساختن داستان‌های تخیلی مبنی بر تجاوزهای صد هزار نفری علیه زنان، حمایت کشورهای مختلف و به ویژه افکار عمومی داخلی خودشان را برای حمله و مداخله به یوگسلاوی جلب کنند. در واقع خبرسازی تحت عنوان کشته‌سازی و تجاوزات چند صد هزار نفری رسانه‌های غرب تحت جریان فمینیسم، توانست حمایت زنان جهان را برای حمله به این کشور جلب کند و همین موضوع مقدمه‌ای برای بمباران این کشور توسط نیروهای نظامی غربی و سپس اشغال و تجزیه آن گردید. اساسا هیچ مسأله‌ای مانند مسئله تجاوز جنسی به زنان، باعث برانگیختن احساسات عمومی نمی‌شود. به همین خاطر غربی‌ها اتهام وجود اردوگاه‌های تجاوز جنسی را

¹Ichikawa Fusae

دقیقا جهت برانگیختن خشم جنبش‌های زنان، به ویژه در غرب، آمریکا و آلمان، طراحی کرده‌اند. این در حالی است که هر روز در توسعه یافته‌ترین جوامع دنیا زنان مورد تجاوز قرار می‌گیرند "U.s.Justice Department, 2001". پس از سلطه ایالات متحده بر یوگسلاوی گزارش‌های تجاوز آن قدر زیاد و شدید بود که برخی از تحلیل‌گران چنین برداشت کردند که تجاوزها به طور سیستماتیک، یعنی با دستور از مقامات بالا انجام گرفته است. در همان سال، رسانه‌های غربی حتی کوچک‌ترین توجهی به تجاوز علیه زنان صرب که مدرک هم برای آن وجود داشت، نکردند.

استفاده ابزاری از زنان افغانستان: یکی دیگر از اصلی‌ترین بهانه‌های دولت متحده ی آمریکا در طی دو دهه‌ی گذشته برای لشکر کشی و حضور نظامی در منطقه غرب آسیا و همچنین اشغال‌گری، وضعیت وخیم این زنان و لزوم حضور آمریکا و ناتو به عنوان منجی زنان منطقه بوده است. «گارگی باتاچاریا»^۱ استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شرق لندن، در کتاب خود با عنوان (مردان قهوه ای خطرناک)^۲ در رابطه با نقش زنان و فمینیسم در جنگ، می‌نویسد: «پس از حادثه یازده سپتامبر که آمریکا و هم پیمانان او به افغانستان و عراق حمله نظامی کردند، مسئله‌ی حقوق زنان در کنار ادعای جنگ علیه تروریسم از جمله بهانه‌های اصلی آن‌ها به حساب می‌آمد» (Dangerous Brown Men, 2008). سازمان عفو بین‌الملل ایالات متحده در سال ۲۰۱۲ با نصب بیلبردهایی از تصاویر زنان و دختران افغان در پیش چشم مردم، با شعار «ناتو: پیشرفت را ادامه دهید»، اذهان را برای نشست ناتو در شیکاگو که خروجی آن تقویت حضور در افغانستان بود، آماده کرد. جای تعجب نیست که در همان زمان، رسانه‌های غربی از عملیات نظامی ناتو در افغانستان، به عنوان «نخستین جنگ فمینیستی» یاد می‌کردند. اگرچه طالبان در ابتدا مورد حمایت آمریکا بود، اما چون از نظر سیاسی کاملا با آن‌ها همراه نبود، پس از بروز اختلافاتی ظاهری بین آمریکا و طالبان، مقابله با طالبان تبدیل به استراتژی رسمی آمریکا در افغانستان شد. خانم «باتاچاریا» با اشاره به بهانه‌های فمینیستی مقامات آمریکایی برای حمله به افغانستان می‌نویسد: (این ادعاهای فمینیستی که در برخی واکنش‌های سران ایالات متحده دیده می‌شد، برای عموم مردم آمریکا عجیب بود. چرا که دولت بوش، آشکارا و به شدت، مخالف هرگونه گسترش حقوق زنان در داخل یا خارج آمریکا بود. مخاطبانی که از این مسائل آگاهی داشتند این حمایت‌ها را یک پوشش برای رسیدن به اهداف امپریالیستی اقتصادی می‌دانستند. سیاستی که برای رسیدن به این اهداف اتخاذ شد، استفاده از زنان افغانستان به عنوان سوژه اصلی رسانه‌ای جهت تحریک افکار عمومی اروپاییان بود. تبلیغ بر علیه حکومت افغانستان مبنی بر ممانعت از تحصیل زنان به خوبی می‌توانست احساسات عمومی را برای ادامه حضور نظامی ناتو در افغانستان تحریک کند. این تبلیغات رسانه‌ای در زمانی بود که در دهه‌ی ۱۹۵۰ دخترانی که در کابل و سایر شهرهای افغانستان در مدارس تحصیل می‌کردند؛ نیمی از دانشجویان حاضر در دانشگاه‌ها زنان بودند و ۴۰ درصد از پزشکان افغانستان را زنان تشکیل می‌دادند. همچنین ۷۰ درصد از معلمان و ۳۰ درصد از کارمندان جامعه زنان بودند (Michel chossudovsky, 2023). از همان آغاز ورود آمریکا به افغانستان که به بهانه مبارزه با طالبان و بهبود وضعیت زنان انجام شد روز به روز وضعیت افغانستان بدتر شد که خانم باناچاریا می‌گوید: تحلیل‌گران غربی، جنگ در افغانستان و عراق را اشتباه دانسته‌اند. آن‌ها می‌گویند که حاکمان ما وانمود کردند مداخله نظامی برای بهبود زندگی زنان این کشورهاست. اما اکنون به طور گسترده گزارش شده است که زندگی زنان در افغانستان و عراق همچنان مملو از خطر و سرکوب است؛ بنابراین، جنگ‌ها برای زنان نبوده است (Dangerous Brown Men, 2008).

^۱Gargi bhattacharyya

^۲Dangerous Brown Men

استفاده ابزاری از زنان در عراق: کشور عراق به جهت دارا بودن رتبه‌ی پنجم جهان از لحاظ میزان ذخایر نفتی و داشتن حدود ۸/۷ درصد از کل ذخایر نفت جهان همیشه مورد توجه آمریکا بوده است. عراق علاوه بر نفت، دارای گوگرد، فسفات و گاز طبیعی فراوان و همچنین دارای منابع دست نخورده مثل آهن، سرب و روی نیز می‌باشد (Hunt krista, 2002). که این منابع عظیم باعث شده که آمریکا در زمان بوش پدر و پسر برای تسلط بر این منابع دست به هر اقدامی بزنند. که یکی از این ابزارهای مهم استفاده از زنان بوده است. در ماه آگوست ۱۹۹۰ صدام به کویت حمله کرد. رئیس‌جمهور آمریکا جرج واکر بوش، اصرار زیادی به جنگ زمینی علیه عراق داشت. اما نظرسنجی‌ها نشان می‌داد که نیمی از مردم آمریکا با این تصمیم مخالف بودند. ناگهان شهادت یک شاهد عینی، یعنی یک دختر ۱۵ ساله ناشناس کویتی مقابل کمیته حقوق بشر کنگره، همه چیز را تغییر داد! دولت آمریکا می‌گفت که به خاطر ترس از انتقام نمی‌توانیم هویتش را افشا کنیم. آن دختر در بخشی از سخنرانی‌اش گفت: «وقتی آنجا بودم سربازان عراقی را دیدم که با اسلحه وارد بیمارستان شدند و آن‌ها نوزادان را از داخل انکیباتورها بیرون کشیدند. انکیباتورها را برداشتند و نوزادان را رها کردند تا روی زمین سرد بمیرند». سخنرانی این دختر ۱۵ ساله باعث شد که افکار عمومی در آمریکا احساسی و عصبانی شده و در نتیجه حمایت از جنگ زمینی علیه عراق بالا گرفت. بوش در صحبت‌های خود برای توجیه حمله نظامی بارها به صحبت‌های این دختر ۱۵ ساله استناد کرد. این ماجرا تبدیل به یک نقطه عطف شد، عملیات طوفان صحرا کلید خورد و ۱۳۵ هزار عراقی کشته شدند. اما بعدها مشخص شد که هیچ تلفاتی از نوزادان داخل انکیبانپر گزارش نشده بود؛ حتی یک نوزاد! و مشخص شد آن دختر ۱۵ ساله (نیره الصباح) دختر سفیر کویت در آمریکا بوده و آن سخنرانی در واقع یک برنامه ساختگی با هدف فریب افکاری عمومی و برای سواستفاده‌ی دولت آمریکا تولید شده بود. و در مورد مردم عراق نیز یک روایت‌سازی دروغین حول محور اینکه زنان این کشور، مظلوم، مقهور و ناتوان هستند، صورت گرفته و اینگونه ادعا شد که ما باید آنان را از چنگ مردان، فرهنگ، و دین این کشور نجات دهیم (Hunt krista, 2002). اما حضور آمریکا در عراق باعث بروز جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، که منجر به کشته شدن ۲۰۰ هزار نفر و سیزده سال تحریم اقتصادی تا سال ۲۰۰۳، تاثیر مخربی بر زنان و روابط جنسیتی آنان داشت (جواهری، ۲۰۰۸). و در طول جنگ اول خلیج فارس بیش از ۳۴۰ تن اورانیوم ضعیف شده توسط ایالات متحده بر سر عراق ریخته و این اورانیوم‌ها سبب عوارض بارداری، مرگ و میر مادران و ایجاد نقایص مادرزادی نوزادان شد. از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵ درصد بی‌سوادی زنان افزایش چشمگیری پیدا کرد و از ۸ درصد به ۴۵ درصد رسید و همچنین ۳۵ درصد دختران مقطع ابتدایی دیگر نتوانستند به مدرسه بروند (UNIFEM, 2004). این‌ها در حالی بود که تا قبل از ورود آمریکا، اولین سازمان فمینیستی و زنان در عراق در سال ۱۹۲۳ تاسیس شد که معتقد بودند که زنان در صورتی که تحصیل کرده باشند، می‌توانند به جامعه کمک کنند. و

استفاده ابزاری از زنان پاناما: جمهوری پاناما که کشوری در آمریکای مرکزی و مهم‌ترین کانال جهان به شمار می‌آید مورد طمع امپریالیسم قرار گرفته و تمامی این موارد باعث شد که جورج بوش در سال ۱۹۸۹ برای تسلط بر منابع و موقعیت جغرافیایی این کشور یک نامه‌ی بسیار محرمانه به سازمان سیا ارسال کند که در این نامه نوشته شده بود که ۱۰ میلیون دلار به نیروهای مخالف در پاناما برای سرنگونی رئیس‌جمهور وقت پاناما یعنی «مانوئل نوریگا» اختصاص خواهد داد. و شرکت (رندون) که زیر نظر سازمان سیا بود متعهد شد تا «گیلمو اندارا» که نامزد منتخب سازمان سیا بود را به ریاست جمهوری کشور پاناما برساند. با کمک این شرکت «گیلمو اندارا» که منتخب سازمان سیا بود در رای گیری ریاست جمهوری انتخاب شد و نوریگا رئیس‌جمهوری مستقر که خود را رهبر همه مردم نامیده بود، انتخابات را باطل کرد. پس از اعلام موضع رئیس‌جمهوری وقت (نوریگا) تظاهراتی در حمایت از رئیس‌جمهور منتخب سازمان سیا (اندارا) صورت گرفت. و گروهی از

محافظان طرفداران نوری با نام مستعار (اراذل دوبرمن) با تخته‌های چوبی، لوله‌های فلزی و تفنگ به جمعیت حمله کردند. آن‌ها یکی از معاونین اندارا را گرفتند، او را به سمت ماشین بردند، اسلحه را در دهان او فرو کردند و ماشه را فشار دادند. ظرف چند ساعت عکس‌ها به تمام اتاق‌های خبری جهان رسید. هفته‌ی بعد تصویری از خشونت نیروهای نیروگا با عنوان «سیاست به سبک پاناما» روی جلد مجله‌ی تایم قرار گرفت و خشم بین‌المللی را برانگیخت. حوادث به وجود آمده باعث ورود آمریکا شد و برای رسیدن به اهداف نهایی خود تلاش کرد تا از طریق واسطه‌های مختلف جریان حاکم بر پاناما را تضعیف کند. در دسامبر ۱۹۸۹ جورج بوش، در ویدئویی تلاش کرد تا با ارائه دلایلی برای اقناع عمومی آمریکا، حمله‌ی نظامی به این کشور را توجیه کند. بوش سربازان نوریگا و دولت پاناما را به قاچاق مواد مخدر و به خطر انداختن شهروندان ایالات متحده و دموکراسی متهم کرد که مدتی پیش، سربازان نوریگا به طرز وحشیانه‌ای به دو سرباز آمریکایی در مرز این دو کشور ایران مورد آزار قرار داده و همچنین یک نظامی دیگر آمریکایی را دستگیر و مورد ضرب و شتم وحشیانه قرار دادند. سپس سربازان نوریگا به طرز وحشیانه‌ای سراغ همسر این سرباز رفته و همسرش را مورد بازجویی قرار دادند و او را مورد آزار جنسی قرار دادند. ادعای بوش باعث شد که روزنامه‌نگاران مختلفی از این حادثه به عنوان یک روایت دراماتیک استفاده کرده و آن را در سراسر جهان منتشر کنند. مقامات آمریکایی می‌گفتند که افسر نیروی دریایی و همسرش به مدت چهار ساعت توسط پانامایی‌ها نگه داشته شدند و در این مدت بارها به همسر این افسر لگد زدند و او را تهدید به تجاوز کردند. حتی گفته شد که مهاجمان کانادایی مست بوده اند. «مالکوم مک کانل» روزنامه‌نگار نوشت: «یک نیروی دریایی ارتش آمریکا و همسر جوان جذابش توسط سربازان پانامایی دستگیر شدند، آنها با لگد وحشیانه به کشاله ران او زدند و به اون تجاوز کردند» (University of nebraska, 2019). بوش نیز با پشتوانه این موضوع و برای جلوگیری از خشونت جنسی، مجوز حمله به پاناما را صادر کرد. این حمله برای ایالات متحده آمریکا موفقیت‌آمیز بود و باعث سرنگونی نوریگا و جانشینی اندارا رییس جمهوری منتخب آن‌ها در کشور پاناما در اواخر ژانویه ۱۹۹۰ شد. نکته حائز اهمیت این است که پس از پایان جنگ، هیچ تلاشی برای شناسایی مهاجمان ادعایی بوش به سربازان آمریکایی و همچنین کاهش شیوع خشونت جنسی علیه زنان صورت نگرفت. و آمریکا بار دیگر موفق شد تا با بهانه‌ی دفاع از زنان، اهداف سیاسی خود را به اجماع بین‌المللی علیه حاکمیت مستقر در یک کشور پیاده سازی کند.

استفاده ابزاری از زنان سودان: «سودان» یک کشور مهم و سرشار از منابع نفتی و معدنی در شمال آفریقا است. از دهه‌ی ۱۹۷۰ آمریکایی‌ها متوجه وجود این منابع عظیم نفتی در سودان شدند. دلایل متعددی برای دشمنی آمریکا با سودان وجود دارد که به سی سال رهبری «عمرالبشیر» از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۹ مربوط می‌شود. این زمینه‌ها شامل مواردی مثل: دستیابی به منابع نفتی سودان با وجود روابط نزدیک چین و سودان، وجود منابع سرشار معدنی و به ویژه طلا، گرایش‌های سیاسی عمرالبشیر و مخالفت با سرمایه‌داری و همسویی عمرالبشیر و ملت سودان با آرمان فلسطین، جمهوری اسلامی ایران و همچنین مواضع ضد اسرائیلی این کشور "Gabriel R. Warburg, 1992". همین موارد باعث شد که آمریکا و غرب برای پیشبرد منافع خود در این کشور دست به ایجاد بحران‌های متعدد برای این کشور بزنند. که از مهم‌ترین موارد آن که منجر به سرنگونی رهبر سودان بعد از ۳۰ سال شد؛ استفاده از زنان برای رسیدن به اهداف سیاسی خود بود. در سال ۲۰۰۹، از حضور زنان تحت طرح «نه به سرکوب زنان» با شعار «آزادی، صلح، عدالت» بسیار استفاده شد. این کمپین با اجتماع زنان سودانی برای ابراز همدردی با خانم «لبنی احمد الحسین» که به خاطر پوشش دستگیر شده بود، آغاز شد. طبق حکم دادگاه خانم لبنی

احمد باید ۱۴۶ پوند جریمه پرداخت می‌کرد و یا یک ماه به زندان می‌رفت. او حدود ۵۰۰ دعوت نامه را برای رسانه‌ها و گروه‌های حقوق بشر ارسال کرده و از آن‌ها خواست که در دادگاه او شرکت کنند. این اقدام او بازتاب جهانی داشت و توسط شبکه عربی اطلاعات حقوق بشر و دیگر گروه‌های حقوق بشر ستایش شد. خانم لبنی احمد در سال ۲۰۱۰ در انجمن آزادی اسلو سوئد حاضر شده و سخنرانی کرد. و همچنین در همان سال در شهر گوتنبرگ و دیدار با مسئولین عفو بین الملل از کتاب «۴۰ ضربه شلاق برای یک شلوار» رو نمایی "Amnestypress, 2010". پس از اینکه جنبش «نه به سرکوب زنان» در رسانه‌ها جهانی شد و توجه بین المللی شگرفی دریافت کرد، تمرکز حول محور مساله زنان رسماً آغاز شد. از آن زمان به بعد موارد دیگری از جمله موارد مربوط به «دختریوتیور»^۱ که در سال ۲۰۱۰ توسط پلیس نظم عمومی به شلاق محکوم شد "SuDAN TRIBUNE, 2010". و «امیره عثمان» که در سال ۲۰۱۳ به دلیل امتناع از پوشاندن موهای خود دستگیر شد (AFP, 2013) باعث تجدید درخواست‌ها برای لغو قوانین مربوط به پوشش زنان شده و بازتاب جهانی پیدا کرد. این موارد زمینه‌ی وارد کردن فشار توسط غرب بر عمرالبشیر رئیس‌جمهور وقت این کشور را بیش از پیش مهیا کرد. هم‌چنین در سال ۲۰۱۸ پس از حذف یارانه بنزین و نان، اعتراضات گسترده مردم به مشکلات اقتصادی شکل گرفت که زنان تظاهرات علیه دولت البشیر را رهبری کردند که نماد آن آواز خوانی «آلای صلاح» در میان معترضان بود. آمریکایی‌ها حتی این دختر را تا شورای امنیت بردند و به او کرسی ویژه و زمان سخنرانی در سازمان ملل دادند. و این باعث ایجاد ناآرامی‌های در این کشور شد که در نهایت منجر به سرنگونی رهبر سودان پس از ۳۰ سال در سال ۲۰۱۹ شد. پس از کودتا علیه عمرالبشیر، یک دولت انتقالی شکل گرفت که قوانین را به صورت وسیعی تغییر داد. قانون حجاب و ممنوعیت مشروب را ملغی و همجنس بازی را آزاد اعلام کرد و مجازات شلاق و حبس را برای آن برداشت. رسانه‌های بین المللی، مشارکت زنان در کودتای ۲۰۱۹ سودان را استثنایی و عالی اعلام کرده و اذعان می‌کردند که تا ۷۰ درصد معترضان راهپیمایی‌ها را زنان تشکیل می‌داده‌اند. آنان زنان را راهی روشن برای آزادی می‌دانستند "Wala Ali, 2022". با اینکه انقلاب با وعده برابری جنسیتی، امنیت جنسیتی، آزادی و عدالت رخ داد، اما به هدف خود نرسید. در نهایت ارمغان این انقلاب چیزی جز فلاکت برای مردم سودان و به ویژه برای زنان سودانی نبود. «سعیده یوسف» از فعالان فمینیست سودانی در مصاحبه با لوموند فرانسه با تلخی بیان داشت: ما در سرنگونی رژیم بشیر پیشتاز بودیم؛ ما اولین قربانیان این واکنش هستیم. و همچنین از زمان انقلاب سودان خشونت جنسی علیه زنان بارها در این کشور برای حل و فصل منازعات سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است.

استفاده ایزاری از زنان عربستان: با مرگ «ملک عبدالله» در ابتدای سال ۲۰۱۵ و به تخت نشستن «ملک سلمان» در عربستان همه چیز در این کشور تغییر کرد. در سال ۲۰۱۷ تحولاتی چشمگیر در صحنه داخلی عربستان به وقوع پیوست که بدیع بودن این تحولات و تبلیغات فراوان بر چشمگیری آن افزود. اکثر این تغییرات نیز به رویکرد «بن سلمان» ولیعهد سعودی بر می‌گردد. رویکردی که به دنبال دادن آزادی بیشتر به زنان، برای بهبود جایگاه حاکمیت در نگاه مردم این کشور بود و مسیر عربستان را به سمت مدرنیته غربی هموار می‌کرد. اما مسأله‌ی اساسی اینجا بود که همه‌ی تغییرات حول موضع آزادی‌های اجتماعی و مسائل جنسی بنا شده و نگاهی جامع به نیازهای زنان در حوزه‌هایی همچون آموزش، بهداشت و اقتصاد ندارد. به عنوان مثال: «سازمان سرگرمی عربستان»^۲ عنوان نهادی است که در ماه می سال ۲۰۱۶ تاسیس شد و هدف خود را

۲- شبکه العربیه لمعلومات حقوق الانسان

!Youtube Girl

۱- الهیة العامه للترفيه

افزایش نشاط و سرگرمی عنوان کرد. این سازمان هر ساله در شهرهای مختلف، مراسمات و جشن‌های مختلفی را به دعوت از خوانندگان مختلف خارجی، ورزشکاران و هنرمندان برگزار می‌کند. مراسماتی که با رقص و پایکوبی به صورت مختلط و پوشش‌های نامتعارف و همچنین مصرف مشروبات الکلی و برگزاری مسابقات قمار همراه بود. که در مراسمات «موسم جده» در ماه می ۲۰۱۹ حضور «نیکسی میناژ» خواننده پاپ آمریکایی در اختتامیه این مراسم تعجب بسیاری را برانگیخت (farsnews,2020). اما این‌ها فقط ظاهر امر است و در عربستان بزرگ‌ترین جنایات علیه زنان اتفاق می‌افتند. به عنوان مثال: فرانس ۲۴ می‌نویسد در عربستان دختر ۲۲ ساله مهاجر را زنده زنده دفن کردند. رویترز گزارش می‌دهد که عربستان یک زن را به جرم به اشتراک گذاشتن پست‌های مرتبط با حقوق زنان در شبکه‌های اجتماعی به ۴۵ سال حبس محکوم می‌کند. گاردین گزارش می‌دهد که عربستان سعودی یک دختر دانشجو را فقط به جرم فالو کردن فعالان حقوق زنان و توییت کردن مطالب آنها به ۳۴ سال حبس محکوم می‌کند. عفو بین‌المللی گزارش می‌دهد که زنان سعودی که برای حق رانندگی در این کشور کمپین تشکیل داده بودند؛ بازداشت شدند و اکنون در حال شکنجه شدن هستند. و همچنین دیدبان حقوق بشر سازمان ملل گزارشی از جزئیات جدید شکنجه زنان در زندان‌های عربستان منتشر می‌کند. بن سلمان که از شخصیت‌های متحد با آمریکا می‌باشد با اعطای آزادی‌های جنسی و اجتماعی، اعتماد و محبوبیت چشمگیری در بین جوانان عربستانی پیدا کرده، اما در عمل ظلم‌های عجیبی به زنان سعودی در حال اجراست. (در کشور عربستان این سیاست استعماری امپریالیسمی توسط حاکمان وقت عربستان که از متحدین ایالات متحده بودند بر زنان اعمال شد).

۲-۳. استفاده ابزاری از زنان توسط شرکت دخانیات آمریکایی: یکی از شخصیت‌های قرن بیستم در آمریکا می‌توان به «ادوارد برنایز»^{۱۴} اشاره کرد که مدیر شرکت دخانیات بود. او اولین شخصی بود که از ایده‌های فروید برای فریب توده‌ها^{۱۴} استفاده کرد. لذا به ایده دایی خود یعنی «زیگموند فروید»^{۱۵} روی آورد. به این روش برنایز به شرکت‌های آمریکایی یاد داد که چگونه می‌توانند توده‌ها و مردم را نسبت به کالا و یا چیزهایی که تا به حال اصلا نیازی به آن نداشتند، علاقه‌مند و خواستار کنند. یعنی ایجاد پیوند میان کالاهای تولید شده به صورت انبوه و نیازهای ناخودآگاه مردم. از مهم‌ترین و قابل توجه‌ترین آزمایشات او ترغیب زنان به سیگار کشیدن بود. برنایز از روانکاو به نام «آبراهام بریل»^{۱۶} خواست کرد تا معنی و مفهوم سیگار برای زنان را تحلیل کند. پاسخ بریل این بود که سیگار در نگاه زنان سمبل قدرت جنسی مردان و مردانگی است. برنایز از پیاده‌روی هزاران نفری عید پاک، کار خود را شروع و یک نمایش ساختگی را طراحی کرد. او از گروهی از دختران طبقه ثروتمند خواست که هر یک سیگاری را زیر لباس خود مخفی کرده و زمانی که او علامت داد، همه هم‌زمان سیگار خود را روشن کنند. او یک گروه خبرنگار را هم برای تهیه و انتشار فیلم از این زنان همراه خود کرد. آنها اسم این کار را تظاهرات گذاشته و سیگار را «مشعل‌های آزادی»^{۱۷} نامیدند. او سیگار کشیدن زنان را با یک عمل نمادین مشروع کرد. برنایز برای فروش دخانیات شرکت خود از موج فمینیستی استفاده کرد و این ایده را مطرح کرد که اگر یک زن سیگار بکشد قدرتمندتر و

^{۱۴}Edward Bernays

^{۱۵}Manipulation

^{۱۶}Sigmund Freud

^{۱۷}Abraham Brill

^{۱۸}Torches of freedom

مستقل تر خواهد بود و تبعیض بین زن و مرد را به چالش خواهد کشید. این ایده غیر منطقی بود؛ ولی به زنان حس استقلال می‌داد. (Lisa Held, 2009). و به اسم برابری زن و مرد باعث افزایش مصرف کننده گان دخانیات و منفعت مالی خود شدند.

۲-۴. استفاده ابزاری از زنان در تجارت: یکی دیگر از استفاده‌های اقتصادی از زنان مربوط به استفاده از جذابیت جنسی در رونق بخشیدن به تجارت بود. که از اولین نمونه‌های استفاده از زنان و جذابیت‌های جنسی، تبلیغات شرکت «توباکو پی یرل» در سال ۱۸۷۱ که تصویر یک زن برهنه را روی بسته محصول خود استفاده کرد. در سال ۱۸۸۵، شرکت دوک و پسران نیز کارت‌های تبلیغاتی حاوی تصاویر تحریک آمیزی از بازیگران زن را در پاکت‌های سیگار قرار دادند. تا جایی که شرکت دوک تا سال ۱۹۸۰ به برند پیشرو سیگار آمریکایی تبدیل شود (Reichert, Childers, and Reid 2012).

۲-۵. استفاده ابزاری از زنان در بحبوحه جنگ جهانی دوم: در طی جنگ جهانی اول و دوم ایالات متحده تصمیم گرفت تا از زنان برای جبران نیروی کار در نبود مردان جامعه، استفاده کند. در همین راستا سعی داشت تا از امیال و احساسات زنان استفاده کرده و آنان را تشویق کند تا وارد عرصه‌ی صنعت و اقتصاد بشوند. ایالات متحده در زنان احساس برابری مطلق با مردان را بیدار کرد تا آن‌ها کارهایی مانند کارگری جنگی و مکانیکی هواپیما را که پیش از این فقط مردان انجام می‌دادند، عهده‌دار شوند. در طی جنگ جهانی اول و با هدف جذب نیروی کار ارزان قیمت، زنان برای خدمت در ارتش جذب شدند. که یکی از این گروه‌های جذب زنان و دختران انگلیسی بودند. این نام مستعار به دلیل این بود که دختران در معرض تی ان تی بودند و به علت سمی بودن باعث شد که به تدریج رنگ پوستشان به زرد-نارنجی تبدیل شود که شبیه پره‌های قناری بود (Rosser, sue, v, ed, 2008). با شروع جنگ جهانی دوم، کمبود نیروی انسانی در صنایع آمریکا نیز خودش را نشان داد. در سال ۱۹۴۲ دولت آمریکا کمپینی تبلیغاتی برای جذب زنان به عنوان نیروی کار راه اندازی کرد و شعارهای برابری زنان و فرصت‌های اقتصادی را ترویج داد. و زنان نقش سنتی خود با عنوان زن خانه‌دار را ترک کردند تا به نیروی کار صنعتی بپیوندند. پس از جنگ جهانی دوم ایالات متحده که کم‌ترین خسارات زیرساختی و انسانی را متحمل شده بود برای مردانی که تازه از جنگ برگشته بودند نیاز به شغل دیده میشد. در چنین شرایطی دولت آمریکا استراتژی خود را که استفاده از زنان در صنایع بود را کاملاً تغییر داد و به تشویق زنان برای بازگشت به نقش سنتی خود به عنوان همسر را کاملاً تغییر داد. و به تشویق زنان برای بازگشت به نقش سنتی خود به عنوان همسر و مادر پرداخت. و بر خلاف آنچه در تبلیغات خود گفته بود این بار نقش‌های سنتی برای زنان را نوعی میهن‌پرستی و وفاداری منعکس دادند. با این تغییر رویکرد، راهبرد، پروپاگاندای جدیدی برای بازگشت زنان به خانه شروع شد. در سال ۱۹۵۵ ماهنامه خانه‌داری «راهنمای همسر خوب» را منتشر کرد که در آن به زنان یادآوری می‌کرد برای زمانی که شوهرانشان به خانه می‌آید شام را آماده کنند، آرایش خود را انجام دهند و خانه را تمیز کنند.

تحلیل، نتیجه‌گیری، راهکار

مطالب فوق حاکی از این می‌باشد که سردمداران ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی برای رسیدن به اهداف سیاسی و مقاصد خود که همان سطله جویی بر حاکمیت سیاسی و منابع عظیم کشورهای مختلف است از زنان به‌عنوان یک ابزار جنگی استفاده کرده‌اند. و با بهانه‌های هم‌چون حمایت از آزادی و نجات زنان؛ دولت‌های وقت را تحت فشار قرار داده و با تبلیغات گسترده جهانی علیه آن دولت‌ها باعث سرنوشتی آن‌ها شده‌اند و شخصیت‌های سیاسی دیگری که در جهت حفظ منافع آنان تلاش کرده‌اند بر عرصه‌ی قدرت نشانده‌اند. و نکته‌ی حائز اهمیت که در تمام این کشورها مشهود است این می‌باشد که بعد از سطله

ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی بر این کشورها، مسأله‌ی زنان و حقوق زنان به حاشیه رفته و هیچ‌گونه برنامه‌ای برای تحقق وعده‌های خود مبنی بر پیشرفت و آزادی زنان توسط این کشورها صورت نگرفته است. با توجه به سیاست‌های استعماری اعمال شده در کشورهای مختلف می‌توان این نتیجه‌گیری را کرد که کشور ایران مانند دیگر کشورهای جهان که دارای منابع عظیم نفتی، گازی، زیرزمینی و... می‌باشد در طول تاریخ تا به امروز همواره مورد طمع جهان خواران بوده و است. کشور ایران با داشتن مساحت ۱/۶۴۸/۱۹۵ کیلومتر مربع دومین کشور بزرگ خاورمیانه و هفدهمین کشور بزرگ دنیا می‌باشد. و با داشتن موقعیت جغرافیایی استراتژیک، تنوع اقلیمی، مزایای اقتصادی، امنیت انرژی و بازارهای داخلی و منطقه‌ای یکی از بهترین مقصدها برای سرمایه‌گذاری می‌باشد. بعد از وقوع انقلاب اسلامی؛ ایالات متحده‌ی آمریکا و بعضی از کشورهای اروپایی برای تسلط بر این منابع عظیم و سرنگون کردن نظام جمهوری اسلامی که از بزرگ‌ترین مخالفان دولت استعمارگر آمریکا بوده؛ دشمنی‌ها و کارشکنی‌ها متعددی بر علیه این کشور اعمال کرده‌اند که تمام این دشمنی‌ها و کارشکنی‌ها بی‌نتیجه بوده است. در سال ۱۴۰۱ ایالات متحده آمریکا و بعضی از کشورهای متحد با ناتو بار دیگر با سیاست استعماری خود یعنی «دفاع از آزادی زنان» وارد عرصه‌ی اعتراضات مردمی شدند. و با دسترسی به رسانه‌های گسترده تبلیغی داخلی و خارجی به ترویج شایعات و اخبار کذب مبنی بر کشتار دختران ضعیف الحجاب توسط حکومت، تجاوز نیروهای امنیتی به زنان، تیراندازی مستقیم به آزادی خواهان، محدودیت و ظلم به زنان در ایران و... سعی بر ایجاد تفرقه در بین عموم مردم و تبدیل اعتراضات مردمی به اغتشاش و آشوب‌های خیابانی کردند. تا از این طریق بتوانند مردم و بالخصوص زنان ایران را که از مهم‌ترین ارکان ماندگاری نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌آیند از بدنه‌ی نظام جدا کرده و باعث سرنگونی این نظام شوند. که مارتین ایندیک که از عناصر اصلی و محقق آمریکایی می‌باشد در اظهاراتی در مورد مسائل منطقه و اسلام می‌گوید: باید چادر را از سر زنان برداشت و از این طریق می‌توان نظام اسلامی ایران را سرنگون کرد. دیوید کیو مامور سابق سیا در گزارشی می‌گوید: مهم‌ترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی، تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است و ما مصمم به آن هستیم. از راهکارهای پیشنهادی برای جلوگیری از استعمار زنان می‌توان به تبیین حقیقت و آگاه‌سازی عموم مردم نسبت به استعمار زنان در کشورهای مختلف اشاره نمود. که این امر از طریق رسانه‌های ملی و جمعی مانند: (فیلم‌سازی، مستندسازی، انیمیشن و...) و همچنین از طریق افراد موثر در جامعه مانند: (دانشمندان، سخنرانان، هنرمندان، اساتید، معلمان، دانشجویان و...) قابل اجرا می‌باشد.

ملاحظات پژوهش

محدودیت‌ها: مباحث اصلی مقاله که برگرفته از کتاب (ناگفته‌های صورتی) می‌باشد با ترجمه‌ی ۳۰۰ کتاب علمی و معتبر خارجی و با وجود محدودیت‌هایی چون فیلترینگ سایت‌های خارجی انجام گرفته شده است.

سهم نویسندگان: نویسندگی اول نگارش مقاله، تحلیل و نتیجه‌گیری و مکاتبه با مجله را انجام داده است. نویسندگان (نویسندگان) دوم مباحث اصلی مقاله (ناثیر فمینیسم بر کشورهای دنیا) که از کتاب «ناگفته‌های صورتی» استخراج شده؛ بر عهده داشته است..

منافع مالی: منافع اقتصادی در راستای پژوهش وجود ندارد و نویسندگان در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت ننموده‌اند.

تشکر و قدردانی: از مجموعه‌ی اندیشکده‌ی راهبردی سعدا و دیگر نویسندگان کتاب ناگفته‌های صورتی (سید محمدرضا خاتمی، محسن فوجی، سجاد کمالی نیا، سید محمد مهدی مهدی زاده، محمدجواد هاشمیان، موسی‌الرضاسلطان زاده،

مهدی طالبی، سعیدچمن زاری، حامدحسین زاده، محمدجوادمقیم زاده، فضل الله طاهری، مریم سادات مجتهدسیستانی، سکینه ده یادگاری، فاطمه شالچیان، آمنه خسروی) تشکر و قدر دانی می شود.

منابع

- _ راجی، سید محمد حسین و همکاران، ناگفته‌های صورتی (روایت ظلم تاریخی به زنان)، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، ۳۶۱ ص، ۱۴۰۲.
- _ پیران، پرویز، فقر و جنبش‌های اجتماعی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸.
- _ پیران، پرویز، جنبش‌های شهری با نگاهی به شرایط ایران، مجموعه ی ۱۴ مقاله، تهران، ماهنامه آفتاب، ۸۲_۱۳۸۰.
- _ نوبخت، امید و همکاران، مدیریت اعتراضات اجتماعی و فرهنگی در ایران: الگویابی در فرهنگ عمومی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹.
- _ محمدی لرد، عبدالمحمد، مدل مفهومی سازماندهی در ناآرامی‌های خیابانی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست و دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸، شماره مسلسل ۸۵، ۱۳۹۸.
- _ راجی، سید محمد حسین راجی، شش محور جهاد تبیین، آستان قدس رضوی معاونت تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۱، ص ۹۸-۱۱۵.
- _ قنبری سلحشور، محمد رضا و آقا رضایی، جنگ نرم علیه کشورهای مختلف هژمونی آمریکا (ویژه جنگ رسانه‌ای علیه ایران)، پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹، ص ۴۰_۱.
- _ نجفی، مسلم، فمینیسم، حوزه، ۱۳۸۲: ۲۰(۱۹): ۱۰۲_۲۴۷.
- _ شریفی، صالحه، نهاد خانواده، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۹(۱) و ۸۵_۱۱۰، ۲۰۱۱.
- _ احمدی، قاسم، رزیابی انتقادی فمینیسم از منظر اخلاقی، فصلنامه علمی پژوهش‌نامه اخلاق، ۹(۳۳) و ۱۳۶-۱۱۵.
- _ آیزنشتاین، هستر، مقاله ای با عنوان « رابطه‌ی عاشقانه خطرناک بین فمینیسم و جهانی شدن شرکت‌ها»، ۲۰۰۹.
- _ نوذری، فردوسی، سقط جنین در حقوق اسلامی و فمینیسم، مطالعات راهبردی زنان، ۲۸(۷) و ۴۴_۸۲، ۲۰۰۵.
- _ میرمومنی، زهرا سادات، نقد جنبش فمینیسم و پیامدهای آن، پژوهش‌نامه فقهی حقوقی زنان و خانواده ۲(۱) ۱۴۰_۱۵۷، ۲۰۱۵.
- _ غنی زاده، مریم و ورمزیار، تأثیر جنبش‌های فمینیسم بر تحول مفهوم خانواده، مجله‌ی پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۰، شماره ۴۶، ۱۴۰۰.
- _ حلوائی نیاسر، منیره و ناصحی، تاریخچه فمینیسم و مقایسه کارکردهای خانواده از منظر اسلام و فمینیسم، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهشی در علوم و تکنولوژی، سن پترزبورگ_ روسیه، ۵ مرداد ۱۳۹۵.

References

- Cerretti josh, abuses of the Erotic: Militarizing sexuality in the post- cold war United states, University of Nebraska press, 2019, pp, 25-30.
- Gargi Bhattacharyya, Dangerous Brown Men: Exploiting sex, violence and feminism in the war on terror, 2008

Chossudovsky Michel, Women's Rights in Afghanistan "Before And After" America's Criminal Military Agenda, 2003.

Krista Hunt, the strategic cooptation of Womens Rights International feminist Journal of politics 4(1) 2002: 116-21.

Un Development fund for women(UNIFEM) 2004.

Held Lisa, Psychoanalysis shapes consumer culture Or how Sigmund Freud, his nephew and a box of cigars forever changed American marketing, December 2009, Vol 40, No.11, p32.

Edward Said, w. Orientalism. Penguin classics,2003,p.208.

Ramusack, Barbara N. cultural missionaries, maternal imperialists, feminist allies: British women activists in India, 1865_1945, Womens studies International Forum, volume 13,Issue, 4, 1990,pp.309_321.

Burton Antoinette, 1992 the white womans burden in chaudhuri & strobel, western Women and Imperialism,p.145.

Rogers,M.why Is sexual Harassment in Egypt so Rampant? CNN, November 1,2010.

Ichikawa.Fusae , Ichikawa fusae jiden, senzenhen (tokyo: shinjuku shobo, 1981) pp. 117_118.

Hoganson Kristin L, fighting for American Manhood: How Gender Politics provoked the spanish-American and philippine-American Wars, Yale University press,August 11,2000.

Margaret Dye Ellis cited by Sen. Benjamin

R.Tillman,CR35,PT.3,Feb.22,1902,2081,2084_85.

ahmed, Leila A Quiet Revolution: the veils Resurgence, from the Middle East to East to America, London: Yale University press, 2011,p.24.

MacMaster Neil, Burning the veil: the Algerian war and the 'emancipation' of Muslim women, 1954-62,p.152.

kate Garry Hudson, Breaking the south slav Dream: the Rise and Fall of Yugoslavia, London: .pluto press,2003,p.123.

<https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.khabaronline.ir/amp/393421/&ved=2ahUKEwiup6GXusmDAxUZhf0HHZqeASgQFnoECAgQAQ&usg=AOvVaw1H3msAfO-sN4ExARbaqmZ>

<https://www.farsnews.ir/news/14010711000056/%D8%AC%D9%86%DA%AF-%D8%A2%D9>

<https://irna.ir/xjkJBb>

<http://rajanews.com/node/370262>

<https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.farsnews.ir/amp/14010729000218&ved=2ahUKEwjc54ax2MiDaxUC3QIHHSAXBvYQFnoECA0QAQ&usg=AOvVaw1C2VwIfquEh0TdhyWNP7B>

<https://www.farsnews.ir/news/14020219000636/%D9%85>

<https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.neshasteasatid.com/node/4342&ved=2ahUKEwi98te->

<vMmDaxVD3AIHHd8EBJMQFnoECBoQAQ&usg=AOvVaw1yKECLNomRRgshkh9311I8>

Investigating the reasons for the support of foreign leaders to Iranian women during the riots of 1401

Abstract

In the recent unrest, the issue of women and the realization of women's freedom in Iran was widely covered through domestic and foreign media, and different reactions were observed regarding the situation of women in this country. The purpose of the current research is to investigate the causes of foreign leaders' support for Iranian women during the riots of 1401. This research has been analyzed by the analytical library method and according to the book "Unsaid Pinks". The results of the research show that the leaders of the United States of America and the West use women as a tool to achieve their imperialist policies. The most important solution to deal with this colonial policy can be pointed out to inform the women of Iranian society.

Keywords: woman, life, freedom, social movement, opposition
